

«زن و مطالعات خانواده»

سال هفدهم - شماره شصت و سوم، بهار ۱۴۰۳

ص ص: ۱۲۷-۱۴۸

مفهوم و اثبات جرم تجاوز به عنف در فقه امامیه و حقوق ایران

کریم خضرنیا^۱

عباسعلی اکبری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱

چکیده

یکی از جرایم جنسی و خشونت بار در حقوق کیفری ایران که عفت عمومی را به شدت خدشه دار می‌کند و بر سلامت جسمانی و روانی قربانی تأثیرسویی برجای می‌گذارد جرم تجاوز به عنف است، جرمی که هیچ‌گاه تحت این عنوان در قوانین کیفری ایران به رسمیت شناخته نشده است بلکه تحت تأثیر فقه اسلامی و به عنوان زنا به عنف و اکراه جرم‌انگاری شده است. در این مقاله سعی شده است با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مفهوم جرم تجاوز به عنف از منظر فقه اسلامی و دکترین حقوق کیفری تبیین شود و واکنش تقنینی و نحوه اثبات آن در فرآیند کیفری مورد بررسی قرار گیرد. در نهایت به این نتیجه رسیده‌ایم که در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ شدیدترین واکنش کیفری یعنی اعدام برای مرتکب تجاوز به عنف در نظر گرفته شده است، در قانون کیفری ایران محدود کردن موضوع تجاوز به عنف تنها از سوی بزه‌کار (مرد) علیه بزه‌دیده (زن) قابل تأمل است. قانون‌گذاری در ایران در بحث تجاوز به عنف با کاستی‌های فراوانی روبروست به طوری که بسیاری از مصادیق جرم تجاوز به عنف در حقوق کیفری مسکوت مانده یا لاقلاً در مورد آن اظهار نظر نشده است. البته نسبت به قانون سال ۱۳۷۰، نقش علم قاضی را در نحوه اثبات جرم زنا به عنف عنوان یکی از ادله اثبات تقویت نموده است.

واژگان کلیدی: تجاوز به عنف، حقوق کیفری، فقه امامیه، عنصر مادی، عنصر قانونی، عنصر معنوی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق جزا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

Dr.akbari@iaut.ac.ir

مقدمه

یکی از جرایم جنسی و خشونت‌بار در حقوق کیفری ایران که عفت عمومی را بشدت خدشه‌دار می‌کند و بر روان قربانی و سلامت جسمانی وی تأثیر سویی بر جای می‌گذارد، جرم تجاوز به عنف است، جرمی که هیچ‌گاه تحت این عنوان در قوانین کیفری ایران به رسمیت شناخته نشده است، بلکه تحت تأثیر فقه اسلامی تحت عنوان زنای به عنف و اکراه جرم‌انگاری شده است. جرایم جنسی به ویژه تجاوز به عنف در طول تاریخ همواره به عنوان یکی از بدترین و تأسف‌بارترین جرایم تلقی شده است که در آن علاوه بر خسارات متعددی که به بار می‌آورد، به شأن و کرامت انسانی نیز توهینی عظیم صورت می‌گیرد. انسان همواره حاکم بر جسم و جان خویش است و تمامیت انسانی او باید از هرگونه تعرض مصون بماند. یکی از اعمالی که نوعی تعرض به تمامیت جسمانی اشخاص محسوب می‌شود، انجام عمل جنسی با آنها بدون رضایت و برخلاف میلشان و با استفاده از عنف و اکراه است.

یکی از ارزش‌های مورد تأیید اسلام که از دیرباز برای همه جوامع مهم بوده است، حفظ عفت و پاکدامنی افراد است، ارزشی که سبب دوام جوامع بشری و بقای نسل انسان می‌گردد. از این رو اسلام با رفتارهای مغایر با این ارزش به مقابله برخاسته است. شیوه برخورد اسلام با این رفتارها نشان می‌دهد که هرچند از یک سو به دلیل شنیع بودن جرم ارتكابی، مجازات سنگین برای آن در نظر گرفته شده است ولی با توجه به این که سیاست کیفری اسلام در برخی از جرایم حق الهی برستر و پوشش گناهان می‌باشد، اثبات آن را بسیار سخت کرده است. در حقیقت اسلام از طریق آموزه‌های خود، خواهان از بین بردن این جرایم از طریق توبه و انابه قلبی است که تأثیر بیشتر و مفیدتر از مجازات برافراد دارد. غریزه جنسی از امیال مشترک میان انسان و حیوان به شمار می‌رود، اما آنچه سبب تفاوت بنیادین نحوه ارضای این میل طبیعی است، همانا حکومت عقل بر تعامل جنسی انسان‌هاست. بر این اساس انسان با بهره‌گیری از عنصر عقل، میل جنسی خود را نیز همچون سایر غرایز، از راه صحیح آن ارضا می‌نماید. به جهت کرامت و شخصیت والای انسانی که در اسلام نیز مورد تأکید قرار گرفته است «ولقد کرما بنی آدم و حملنا فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً» (سور الاسراء، آیه ۷۰).

آمار جنایی در مورد تجاوز به عنف، چندان قابل اعتماد نیست؛ زیرا بسیاری از بزه‌دیدگان بنا به دلایلی مختلف اقدام به تظلم خواهی و شکایت نمی‌کنند من جمله وجود سابقه آشنایی با بزهکار، ترس از ملامت عمومی و وقوع بزه‌دیدگی ثانویه در جریان دادرسی، ترس از انتقام جویی بزهکار به دلیل بی‌اعتمادی به کارایی نهادهای مسئول در پیگیری قضیه، عدم تلقی و تفسیر رفتار مرتکب به عنوان تجاوز از سوی بزه‌دیده به ویژه در مواردی که به نوعی میان بزه‌دیده و بزهکار سابقه آشنایی وجود دارد در حالیکه بعضاً بنا بر ضوابط قانونی تجاوز محسوب می‌شود. بنابراین درباره وقوع تجاوز به عنف از سوی بزه‌دیده به نهادهای مسئول گزارسی ارائه نمی‌شود در نتیجه رقم سیاه تجاوز به عنف بسیار بالا و قابل توجه است.

وجود رضایت که در شرع مقدس اسلام در قالب ازدواج تبلور می‌یابد، از اسباب جواز و حلیت ارضای غریزه جنسی شمرده شده است. در صورتی که این عمل بدون رضایت طرف مقابل و به عنف و اکراه صورت بگیرد، نه تنها سبب بهره‌مندی طرف مکره و مجبور از لذت آن نشده، بلکه صدمات و لطمات جبران‌ناپذیری از لحاظ جسمی و بخصوص روحی و روانی بر بزه‌دیده وارد می‌آورد و به نظر می‌رسد آنچه سبب تشریح مجازات سنگین قتل برای این جرم در اسلام گشته همین آسیب به شخصیت، حیثیت و کرامت انسانی است که ادامه زندگی را برای بزه‌دیده با انبوهی از مشکلات و دشواری‌ها همراه می‌سازد (حاجی ده‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۸۹). در اسلام جرایم جنسی عمدتاً در زمره حدود قرار دارند و مجازات‌های سنگینی برای مرتکبان آنها در نظر گرفته شده است که از جمله این جرایم، تجاوز جنسی به عنف است که در فقه اسلامی مجازات آن اعدام است: «کسی که با زنی با اکراه زنا کند حد وی کشتن است، خواه محصن باشد یا نباشد» (امام خمینی، تحریرالوسیله، ۱۴۰۳، ص ۴۶۳، خوبی، تکمله المنهاج، ۱۴۲۲، ص ۱۹۴).

در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و با ابزاری از قبیل مطالعات کتابخانه‌ای و سایت‌ها و مقالات و پایان‌نامه‌ها و قوانین و سایر مستندات استفاده شده است. تبیین مفهوم و ارکان متشکله جرم تجاوز به عنف از اهداف اصلی این تحقیق محسوب می‌شود. در این تحقیق برآنیم به ترتیب مفهوم و مصادیق تجاوز به عنف در حقوق و فقه امامیه، ارکان متشکله حقوقی جرم تجاوز به عنف و روش اثبات آن و بالاخره نتیجه بحث را تبیین کنیم.

مفهوم شناسی تجاوز به عنف

تجاوز جنسی مرکب از دو واژه‌ی «تجاوز» و «جنسی» است. تجاوز در لغت به معنای ستم و تعدی می‌باشد. براین اساس اصلی‌ترین بار معنایی که واژه‌ی تجاوز به همراه دارد، عنصر نارضایتی فرد متجاوز است. چراکه اگرچه در ابتدا از واژه‌ی تجاوز، اجبار، قهر و غلبه به ذهن متبادر می‌شود لیکن در واقع منحصر به قهر و غلبه نیست. هر نوع اجباری که نارضایتی فرد مورد تجاوز را به همراه دارد، خواه این تجاوز از طریق اجبار و قهر و غلبه به وقوع بپیوندد، خواه از طریق دیگری چون فریب و تهدید با سوء استفاده از عدم هوشیاری فرد باشد. قید جنسی که با اضافه شدن به واژه تجاوز بار معنایی خاصی را دربردارد، مربوط به کلیه اعمالی است که به جنسیت یعنی مرد یا زن بودن و وجه تمایز بارز آن اندام تناسلی، ارتباط می‌یابد (نریمان فاخری، ۱۳۹۷، ص ۳۴).

به باور روانشناسان، تجاوز به عنف یک اختلال شخصیتی است که از دوران کودکی و نوجوانی در فرد بوده و در تمام مراحل رشد روانی وی یعنی «دوران دهانی، مقعدی، آلتی، کمون و بلوغ» در فرد رشد کرده و در جوانی یا سنین بالاتر خود را نشان می‌دهد این نوع جرم در بیشتر کشورهای جهان مشاهده می‌شود و به عواملی چون شرایط سنی، فرهنگی و اقتصادی مرتبط است. تجاوز به عنف ممکن است به

زن و مطالعات خانواده - شماره ۶۳ - بهار ۱۴۰۳ 130

صورت‌های کودک آزاری، زنا‌ی با محارم، سادیسم جنسی، پورنوگرافی و عورت‌نمایی، مازوخیسم و سادیسم خود را نشان دهد (برادفورد، ۲۰۰۶، ص ۵۲۷-۵۳۲).

تجاوز به عنف نه تنها توهین به شأن و عفت زن هست بلکه خشونت‌ی آشکار علیه تمامیت جسمانی وی و حق آبرو، امنیت و آزادی وی از تبعیض می‌باشد (ساسانا، ۲۰۰۳، ص ۹۶). تجاوز جنسی نقض آشکار حقوق قربانیان در زمینه امنیت شخصی است که واقعاً به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده است. هرچند که تجاوز مرد به مرد نیز به وقوع می‌پیوندد. اکثریت قربانیان تجاوز را زنان تشکیل می‌دهند و متجاوزین مذکر هستند. تجاوز در سراسر دنیا به عنوان یک جنایت شناخته می‌شود. اما فاکتورهایی وجود دارد که جمع‌آوری شاخص‌های آماری معتبر در این مورد را بسیار مشکل می‌کند بنابراین می‌تولد سیاست جنایی جوامع به گونه‌ای طراحی شود که جنسیت متفاوت، عاملی برای تحمیل و پذیرش درد و رنج‌های جرم تجاوز به عنف به عنوان وحشیانه‌ترین جرم تلقی نگردد (فاگان، ۱۳۹۳، ص ۸۰). تجاوز به عنف نوعی رفتار خشن و تحقیر آمیز است که از طریق اعمال جنسی و برای ابراز قدرت و خشم صورت می‌گیرد، در چنین مواردی، رابطه جنسی به ندرت موضوع اصلی می‌باشد و در اکثر موارد مسائل جنسی در خدمت نیازهای غیر جنسی درمی‌آیند (اوحدی، ۱۳۸۴، ص ۳۰۸).

واژه‌ی عنف به معنای «خشونت» و «زور» آمده است و منظور از اصطلاح تجاوز به عنف، انجام نزدیکی جنسی بدون رضایت زن و با استفاده از قهر و غلبه است. البته باید توجه داشت که اثبات بدون رضایت و خواست قربانی در رابطه جنسی برعهده قربانی است که این موضوع مشکلاتی را در روند رسیدگی به این پرونده‌ها به وجود آورده است. درعین حال باید توجه داشت که تجاوز به عنف تنها در چهارچوب رابطه خارج از چهارچوب مشروع ازدواج (اعم از دائم و موقت) به رسمیت شناخته شده است؛ به عبارت دیگر تجاوز به عنف نوعی از زناست که همراه با عدم رضایت و خواست قربانی می‌باشد. بنابراین توسل به خشونت جنسی در روابط میان زن و شوهر تجاوز به عنف محسوب نمی‌شود (فرجی‌ها، ۱۳۹۰، ص ۵۸).

تجاوز به عنف، عنوانی است برای جرایمی که توأم با آزار و اعمال رفتار خشن و غالباً با سلب اراده و علی‌رغم مقاومت بزه‌دیده و به ضرر او ارتکاب می‌یابند. برای تبیین مفهوم عنف، ناگزیر باید به مفهوم رضایت پرداخت؛ به عبارت دیگر باید نخست مشخص کرد رضایت بزه‌دیده چه مفهوم و جایگاهی دارد و در چه صورت عدم آن، منجر به تحقق مفهوم عنف می‌گردد. رضایت در جرایم به معنای تمایل و موافقت قلبی بزه‌دیده است مبنی بر اینکه تعرضی خلاف قانون علیه حقوق و آزادی‌های او انجام شود. وقوع عنف مستلزم انجام فعلی از سوی مرتکب است که این فعل بر روی شخص با یک شیء (موضوع جرم) واقع می‌شود. بنابراین منشأ عنف عامل انسانی است. علاوه بر آن، مفهوم عنف اشاره به فعلی دارد که عامل آن با آگاهی و قصد نسبت به یک شخص یا شیء انجام شده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۶۷).

در نظام حقوقی کامن لا (عرفی) تعریف تجاوز جنسی عبارت است از مقاربت جنسی با یک زن برخلاف خواست وی. بر اساس این تعریف تنها مردان می‌توانستند مرتکب تجاوز جنسی شده و بزه‌دیده هم همیشه زن بود. این تعریف تجاوز را به دخول آلت مردانه در واژن زن محدود می‌کرد. قانون جرایم جنسی انگلستان سال (۲۰۰۳) معنای تجاوز به عنف را گسترش داده‌است و تجاوز به عنف را دخول عمدی در مقعد، مهبل یا دهان شخص دیگر بدون رضایت او تعریف می‌کند (قریب، ۱۳۹۱، ص ۱۹).

همان طور که در بالا اشاره شد عنف به معنای اعمال زور برای انجام عملی می‌باشد و تجاوز به عنف یعنی اینکه به زور با زن یا دختری عمل جنسی انجام شود. بر اساس تعاریف حقوقی ذکر شده در قوانین، اکراه معنایی متفاوت از عنف دارد. در اکراه طرف به زور به انجام عمل وادار می‌شود به این معنا که قصد انجام عمل وجود دارد و اختیار فرد به دلیل اعمال زور برداشته می‌شود. به عبارت دیگر در زنا یا اکراهی زن بدون مقاومت تسلیم می‌شود. اما در عنف زن مقاومت می‌کند اما مقاومت او فایده‌ای ندارد. در نهایت می‌توان گفت که تجاوز به عنف در گروه زنا دسته‌بندی می‌شود. در قوانین اسلامی، مجازات تجاوز به عنف اعدام است، البته اثبات زنا به عنف باید از سوی قربانی انجام شود. اعتراف متهم در برابر قاضی، استشهاده و علم قاضی می‌تواند به اثبات زنا به عنف کمک کند. زنا به عنف جدای از مجازات‌هایی که در کشورهای اسلامی و غیراسلامی برای آن در نظر گرفته شده، عملی غیر اخلاقی و زشت است که به جسم و روح و روان فرد آسیب می‌زند (آقایی، ۱۳۹۷، ص ۸۹).

قانون‌گذار ایران در ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، زنا و شرایط آن را تعریف نموده‌است. طبق این ماده زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد و تبصره ماده مذکور بیان می‌دارد که جماع با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در قبل یا دبر زن محقق می‌شود. بنابراین در حقوق کیفری ایران از آنجایی که جرم تجاوز به عنف در زیر مجموعه‌ی زنا تعریف شده (بند ت ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲) و در تمامی مقررات تابع شرایط مربوط به زناست. به عبارت دیگر، تجاوز به عنف عبارت است از دخول آلت مردانه در واژن و یا مقعد زن بدون رضایت وی (زن) اعم از اینکه این رضایت از زن، از طریق تهدید یا اغفال سلب شده باشد و یا زن در شرایطی باشد که امکان دفاع و مقابله با مرد در جلوگیری از رابطه جنسی را نداشته باشد از قبیل در خواب بودن و یا بی‌هوش بودن زن. بنابراین این تعریف از تجاوز به عنف که منبعت از نظریات فقها می‌باشد تفاوت عمده‌ای با تعریف بیان شده در سایر نظام‌های حقوقی جهان دارد من جمله اینکه فقط تجاوز مرد علیه زن به رسمیت شناخته شده است و از طرفی تجاوز به عنف محدود به دخول آلت تناسلی مرد در واژن و مقعد زن است در حالی که در سایر نظام‌های حقوقی، وارد کردن بدون رضایت آلت مردانه در دهان زن نیز تحت عنوان تجاوز به عنف تعریف شده‌است (برهانی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۴۷).

تجاوز به عنف از دیدگاه فقه امامیه

عنف اصطلاحاً عبارت است از توسل به زور به قصد ایراد صدمه یا خسارت به کسی یا توهین یا تعرض جنسی و یا کشتن. اکراه در فرهنگ فقهی و حقوقی عبارت است از وادار کردن دیگری به انجام کاری بر خلاف رضای وی از طریق تهدید به مرگ یا ایراد ضررهای مادی یا معنوی. جرم منافی عفت در تعریف قانونی، جرم جنسی مشمول حد شرعی و روابط نامشروع مستوجب تعزیر است (امیدی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۴۷).

در فقه امامیه، عنف در معنای خشونت و جبر مادی در رفتار زانی شرط تحقق تجاوز جنسی موجب حد اعدام نیست بلکه صرف فقدان رضایت مزنی بها جهت وقوع جرم به گونه‌ای که صدق اغتصاب نماید کفایت می‌کند اعم از اینکه مرتکب او را اکراه یا اجبار نموده باشد یا در حالتی که وی توانایی مقاومت نداشته، نظیر خواب یا بی‌هوشی، با او زنا کند (اکرمی، ۱۳۹۵، ص ۶۰) در بین فقهای اسلامی اکثریت مشهور فقها به جای تجاوز به عنف از عبارت زنا به عنف و اکراه استفاده نموده‌اند و قائل به ترادف واژه‌ی عنف و اکراه می‌باشند و در موضوع تجاوز به عنف، اکراه و غضب را از موارد قهر و غلبه به فرد بزه‌دیده می‌دانند (توجهی، ۱۳۹۰، ص ۶).

در منابع اولیه حقوق اسلامی یعنی کتاب و سنت با وصف تحریم روابط جنسی خارج از علقه زوجیت و تعیین مجازات حد برای برخی از آن‌ها و واگذاری مجازات برخی دیگر به نظر و اجتهاد قضات، کمتر تمایزی بین ارتکاب جرایم مذکور از روی رضا و اختیار و ارتکاب آنها از طریق توسل به عنف یا اکراه ملاحظه می‌شود (جزیری، ۱۴۱۰ ق، ص ۸). در منابع فقهی همچنین تمایزی به ندرت طرح و تحلیل شده‌است. جز فقه امامیه و تعداد معدودی از فقهای سایر مذاهب فقهی، برخوردی افتراقی باموضوع نکرده و بدون دخالت عنصر عنف یا اکراه، مسئولیت و مجازات مرتکب را یکسان اعلام کرده‌اند. ظاهراً دلیل این یکسان‌انگاری، قاعده رعایت تخفیف و احتیاط در حدود و ممنوعیت تجاوز از حدود شرعی از راه اجتهاد بوده‌است. فقه امامیه با تفکیک میان دو شیوه ارتکاب جرم جنسی مشمول حد، توسل به عنف یا اکراه را کیفیت مشدد مجازات محسوب کرده و با تشدید مجازات مرتکب، حد شرعی وی را اعدام اعلام کرده‌است. این تفکیک و تشدید که مستند به روایات و اجماع فقهای امامیه است، با درجه قبح اجتماعی عمل و قابلیت سرزنش مرتکب سازگارتر و با موازین حقوقی هماهنگ‌تر است. از نظر اثبات قضایی دو عنصر عنف و اکراه نیز، در مذاهب فقهی غیر از دلایل سنتی اثبات اصل جرایم جنسی یعنی بینه و اقرار، دلیل خاص دیگری ذکر نکرده‌اند خصوصاً در مذاهب اربعه اهل سنت و جماعت دو عنصر مورد اشاره، نه تأثیری در میزان مجازات مرتکب دارند و نه دلیل مهمی مثل علم قاضی در این زمینه قابل استناد است (فاضل لنگرانی، ۱۳۹۰، ص ۴۰۲). در بحث اثبات هم، فقه امامیه با اعتباربخشی به علم قاضی و مقدم دانستن آن بر سایر ادله اثبات جرم، کمک قابل ملاحظه‌ای می‌تواند به قربانیان تجاوز به عنف یا اکراه

بکند. قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ که در بخش حدود پایبند به فقه امامیه است، در بند ت از ماده ۲۲۴ زنا به عنف یا اکراه را موجب اعدام زانی اعلام کرده است.

برخی آموزه‌های فقهی و مقررات قانونی نظیر قاعده درء و بنای حدود بر احتیاط و مفاد دو ماده ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی در کنار سوء ظنی که نوعاً نسبت به بزه‌دیده وجود دارد، سبب می‌شود تا عملاً پرونده‌های تجاوز به عنف یا اکراه، در مسیر منتهی به برائت متهم قرار گیرند و یا اندکی خوش بینانه‌تر، راه منتهی به محکومیت مرتکب به رابطه جنسی مقرون به رضا را طی کنند. اما در فرضی که جرایم مذکور با عنف یا اکراه ارتکاب یابند، جنبه حق الناسی آنها تقویت می‌شود؛ بنابراین باید از اعمال محدودیت‌های اثباتی مثل بزه پوشی، توصیه به عدم اقرار و عدم ادای شهادت و ممنوعیت فحص و تحقیق، عدول کرد و راهی را که ماده ۳۶۲ قانون آئین دادرسی کیفری مبنی بر گذر از ادله استنادی طرفین و انجام هر گونه تحقیق لازم برای کشف حقیقت مقرر کرده است، در پیش گرفت (طهماسبی، ۱۳۹۶، ص ۴۵). فراتر از این، قانون‌گذار در اصلاحات سال ۱۳۹۴ موارد عدول از سیاست بزه پوشی در منافیات عفت را توسعه داده و در ماده ۱۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری چنین مقرر نموده است: «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرتی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضائی انجام می‌شود.

آنچه از عبارت “عنف” برداشت می‌شود، قهر و غلبه است که لازمه آن اظهار کراهت و مقاومت از سوی بزه‌دیده می‌باشد. پس اگر تنها زانی به عنف مشمول حد قتل باشد عنف متشکل از عناصر زیر است: الف- فعل از اعضا و جوارح و بر انسان دیگری واقع شود. ب- مفعول به رضایت نداشته باشد. بر این اساس، اظهار واکنش مادی از سوی مفعول به شرط نیست. وی اگرچه تدافع و تمناع مفعول به (مقاومت) را شرط نمی‌داند؛ اما معتقد است مجنی علیه باید شایستگی اظهار کراهت، مواردی مانند خواب یا بیهوشی بزه‌دیده داخل در زانی مستوجب قتل نخواهد بود. (برهانی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۴۷-۱۱۱)

“اکراه” نیز که در ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مورد اشاره قرار گرفته، معنایی متفاوت از عنف دارد. در اکراه شخص به امر ناخوشایندی بیم داده و تهدید می‌شود و از ترس تهدید، تن به انجام کاری می‌دهد که خوشایند او نیست. پس در اکراه قصد فعل وجود دارد؛ اما به جهت تهدید، اختیار سلب می‌شود. با این اوصاف در زانی اکراهی اگرچه عنف وجود ندارد و زن بدون مقاومت تسلیم می‌شود؛ اما به جهت تهدید به قتل، افشای سر یا موارد دیگر، تن به زنا می‌دهد. بدیهی است که اجبار یا الجاء نیز حد اعلائی اکراه می‌باشد؛ زیرا در آن نه اختیار است و نه قصد فعل (عظیم زاده و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶۳).

در کتب فقهی از جمله مواردی که زانی کشته می‌شود، زانی اکراهی است؛ چنان که صاحب جواهر می‌نویسد: «و کذا یقتل من زنی بامرأ مکرهاً لها» کشته می‌شود کسی که با زنی زنا کند، در حالی که زن را اکراه کرده است. به عقیده یکی

از فقهای معاصر «غصب» از لحاظ لغوی به معنای «اخذ شیئی به عدوان» است و عبارت «غصب فرج» تسلط بر زن بدون رضایت وی معنا شده است. از این رو در موارد خواب یا بیهوشی نیز غصب فرج صدق می‌کند (شبیبری زنجانی، ۱۴۲۸، ص ۴۲۹، ج ۱). وی با بیان این که احتمال دارد غصب در روایات مذکور، انصراف به موارد قهر و غلبه داشته باشد، با توجه به لزوم احتیاط در دماء قائل به این نظر است که حکم قتل صرفاً در موارد قهر و غلبه و کراهت جاری است.

ابعاد حقوقی تجاوز به عنف

برای آنکه عملی تحت عنوان تجاوز به عنف مورد پیگرد قرار گیرد وجود عناصر سه گانه قانونی، مادی و روانی لازم است. به این معنا که اولاً "چنین عملی در متون قانونی مقرر و به عبارتی جرم‌انگاری شده باشد، ثانیاً رفتار مجرم در قالب فعل یا ترک فعل و با وجود شرایط و اوضاع و احوال خاص آن به منصفه ظهور برسد و ثالثاً فرد مجرم این عمل را با اراده و با علم به جرم‌انگاری توسط قانون گذار مرتکب شده باشد. بنابراین در سطور آتی به تحلیل این عناصر می‌پردازیم.

رکن قانونی و ضمانت اجرایی تجاوز

عنصر قانونی به این معناست که عمل مجرمانه باید به تعیین و تعریف قانون باشد. به موجب این اصل است که می‌توان گفت هیچ عملی جرم نیست مگر اینکه قانون آن را جرم بشناسد و اعمال هیچ مجازاتی ممکن نخواهد بود مگر اینکه قانون آن را اجازه داده باشد (نوربها، ۱۳۸۹، ص ۴۷). بنابراین رکن قانونی به معنای تعیین و صف مجرمانه و همچنین مجازات رفتار مجرمانه در قانون که پیش از وقوع جرم لازم‌الاتباع بوده است می‌باشد (شمس ناتری، ۱۳۹۳، ص ۲۲). با این توضیحات رکن قانونی جرم تجاوز به عنف به تبع تعریفی که فقها در کتب فقهی خود نسبت به جرم تجاوز به عنف ارائه داده‌اند در بندت ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ با عبارت «زنا یا عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است» و تبصره ۲ ماده مذکور که بیان داشته «هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا یا عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگر چه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است» مقرر شده است.

با بررسی قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و دیگر قوانین کیفری پی می‌بریم که به جز این ماده که موضوع تجاوز به عنف را جرم‌انگاری کرده است تعریف دیگری از این جرم در قوانین کیفری ایران وجود ندارد. گرچه به رغم جرم‌انگاری قانون گذار، شاهد اتخاذ تصمیمهای قضایی متفاوت در محاکم و نقض اصل کیفی بودن قوانین کیفری هستیم که می‌طلبد قانون گذار اقدام به تعریف منسجم و روشن تری از این جرم بنماید تا هم اصل برابری مردم در برابر تصمیمات یکسان محاکم رعایت گردد و هم اینکه موجب دردسر و آشفتگی در دستگاه عدالت کیفری نگردد. در قانون مجازات سال ۱۳۹۲ همانند

قانون مجازات اسلامی م صوب ۱۳۷۰ به تبعیت از کتب فقهی، بزهی با عنوان تجاوز به عنف جرم‌انگاری نشده‌است، اما می‌توان با توجه به دو عنوان مجرمانه "زناى به عنف" ماده ۲۲۴ بند ت و "لواط به عنف" ماده ۲۳۴ و با در نظر گرفتن تعاریف زنا و لواط مندرج در مواد ۲۲۴ و ۲۳۴ این قانون، تجاوز به عنف را در چارچوب قانون مجازات اسلامی چنین تعریف کرد: هرگاه مردی به وسیله آلت تناسلی خود و با توسل به زور علیه زنی که در علقه زوجیت او نیست مرتکب دخول مهملی و یا مقعدی شود و نیز هرگاه مردی به وسیله آلت تناسلی خود با توسل به زور علیه مردی مرتکب دخول مقعدی شود، تجاوز به عنف واقع شده‌است.

مطابق بند ت ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی وجود عنف در تجاوز جنسی، یکی از مواردی است که منجر به تشدید کیفر زنا تا حد اعدام می‌گردد. در واقع هرگاه یکی از طرفین راضی به برقراری رابطه جنسی نبوده و دیگری وی را وادار به ارتکاب این عمل نماید این ویژگی برای شخص مکره از کیفیات مشدده محسوب می‌شود. از این رو تجاوز جنسی (تجاوز به عنف) در فقه و به تبع آن در قوانین کیفری ایران با تشدید مجازات همراه شده‌است. در واقع این عدم رضایت قربانی است که آمیزش جنسی را به تجاوز جنسی تبدیل می‌کند ضمن اینکه شرط عدم رضایت فراتر از بی‌میلی محض بوده و معمولاً توأم با زور یا تهدید حاصل می‌شود البته اگر این رضایت با حیله و تقلب به دست آمده باشد بازم به جهت فقدان رضایت معتبر و سالم باعث محکومیت مرتکب به تجاوز جنسی می‌شود. همانطور که در تبصره‌ی ۲ ماده ۲۲۴ مقرر شده: هرگاه کسی با زنی که راضی به زناى با او نباشد، در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند، رفتار او در حکم تجاوز جنسی است.

قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مجازات اعدام را برای فرد متجاوز مقرر داشته است با این وجود هیچ وقت نمی‌توان در حقوق کیفری ایران دل خوش به این بود که فرد متجاوز به سزای اعمال خود می‌رسد؛ زیرا با وجود مقررات مربوط به توبه، فرد متجاوز با نوعی نمایش مظلوم نمایانه می‌تواند خود را از مجازات اعدام برهاند و به سادگی هر چه تمام‌تر از ضعف‌های قانون‌گذاری نهایت استفاده را ببرد. از طرف دیگر، مطالعه اجزاء و عناصر تشکیل دهنده جرم تجاوز به عنف (زناى توأم با عنف و اکراه) بیانگر آن است که رویکرد تقنینی نسبت به این جرم متناسب با تحولات این نوع بزهکاری در دوران جدید تغییر و تحول نیافته و بیشتر تحت تاثیر فرهنگ مردانه حاکم بر نظام کیفری بوده‌است. به عبارت دیگر فرایند شکل‌گیری ساختارهای نظام عدالت کیفری در زمینه جرم تجاوز به عنف، عمدتاً مبتنی بر برداشت‌های فرهنگی و ایدئولوژی مردانه بوده و دغدغه‌ها و ملاحظات زنان بزه‌دیده در این فرایند بازتابی نداشته است (فرجی‌ها و آزری، ۱۳۸۸، ص ۲۸۸). تبصره ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی، زنا با زن بی‌هوش یا خوابیده یا مست و نیز زنا از طریق اغفال و فریب دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید یا ترساندن زن را ملحق به زناى به عنف و اکراه و محکوم به حکم آن اعلام

کرده است. ماده ۲۳۱ قانون مذکور نیز زناى به عنف و ملحقات آن را علاوه بر اعدام مرتکب، موجب محکومیت وی به پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل هم دانسته است.

در نظام حقوقی ایران وفق بند (ت) ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ کیفر این عمل مجرمانه، اعدام مرتکب بوده و قربانی تجاوز با لحاظ احکام قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ مستحق حمایت‌های قانونی است. طبق قانون اخیر، دستگاه قضایی باید بزهدیده را مورد حمایت قرار دهد و دادسرا به عنوان نهاد تحقیق علاوه بر فعالیت در جهت رسیدگی و گردآوری دلایل، به خواسته‌های قانونی وی پاسخ مناسب دهد. دادگاه‌ها نیز باید در صدور احکام کیفری به آثار فردی، روانی و اجتماعی به ویژه تشفی خاطر بزهدیده و جبران ضرروزیان وی توجه ویژه کنند و حکم کیفری در مدت معقول اجرا شود. در عین حال افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل بزهدیده نیز ممنوع است (کلیمانی، ۱۳۹۳، ص ۳۲). به این ترتیب قانون‌گذار، مجازات سنگینی برای این جرم تعیین کرده است. در ماده ۲۳۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر شده است که در موارد تجاوز به عنف و در حکم آن، در صورتی که زن باکره باشد مرتکب علاوه بر مجازات مقرر، به پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل نیز محکوم می‌شود و در صورتی که زن باکره نباشد، فقط به مجازات و پرداخت مهرالمثل محکوم می‌گردد.

رکن مادی تجاوز

رکن مادی جرم به این معناست که وجود یک واقعه‌ی مادی یا تظاهر خارجی اراده برای مسئولیت مرتکب نیاز است (استفانی، ۱۳۸۳، ص ۳۱). به عبارتی توصیف قانون‌گذار از یک جرم برای تحقق آن باید با تمامی شرایط و قیود وارده بر آن در عالم واقع ظاهر گردد. عنصر مادی این جرم متشکل از سه قسمت متفاوت رفتار فیزیکی (فعل یا ترک فعل)، شرایط و اوضاع و احوال و نتیجه رفتار ارتكابی است.

الف- رفتار فیزیکی: رفتار فیزیکی در این جرم لازم است به صورت فعل از سوی بزهکار ارتكاب یابد به گونه‌ای که در جرم تجاوز به عنف اقدام عملی از سوی بزهکار به رابطه جنسی علیه بزهدیده به منصفه ظهور برسد. بنابراین رفتار فیزیکی جرم تجاوز به عنف در حقوق کیفری ایران با توجه به تعریف رایج شده، بروز رفتار مجرمانه از سوی بزهکار و در واقع دخول بدون رضایت آلت مردانه به واژن یا مقعد بزهدیده‌ای (زن) می‌باشد. بعضی از اشخاص تصور می‌کنند به دلیل اینکه معنی تجاوز به زور و اجبار به معنی برقرار نمودن ارتباط جنسی بدون اختیار و رضایت فرد مقابل می‌باشد، پس چنانچه زنی اکراه به برقراری رابطه جنسی با همسرش شده باشد مشمول بحث قواعد تجاوز می‌گردد. اما در حقیقت چنین تصویری ناصواب بوده و روابط اکراهی یا اجباری میان زن و شوهر و یا در بین افرادی که با هم عقد نکاح موقت بسته‌اند از شمول تجاوز به عنف خارج می‌باشد. به عبارت بهتر تجاوز، زمانی میان زن و شوهری مصداق پیدا می‌کند که بدون هر گونه محرمانگی میان آنان اتفاق افتد.

ب- شرایط تحقق جرم و نتیجه آن: تجاوز به عنف زمانی محقق می‌شود که شرایط مقرر در تعریف جرم مذکور موجود باشد؛ شرایطی که گاه فقدان حتی یک مورد از آنها می‌تواند عنوان جرم را

به کلی عوض کند. شاید مهم‌ترین عنصری که قانون‌گذار به صراحت در ماده ۲۲۱ و بند ت ماده ۲۲۴ در تحقق جرم تجاوز به عنف متذکر آن شده است مرد بودن متجاوز و زن بودن قربانی جرم می‌باشد، امری که بدون شک خالی از اشکال نیست؛ چراکه قانون‌گذار در این جرم فقط زنان را مشمول حمایت خود قرار داده است بدون اینکه، بزه‌دیدگان دیگر مثل مردان و افراد دوجنسه یا تراجنسی را مورد توجه قرار داده باشد، مگر اینکه قائل به این شویم که فقط در مورد افرادی تراجنسی که غلبه با جنس زنانگی است بتوان با استفاده از رویکردی که قانون‌گذار در تعیین دیه (ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲) این افراد داشته است در تعریف قربانی جرم تجاوز گنجانند گرچه حمایت‌های قانونی دیگری در صورت تعرض به این افراد در قوانین کیفری ایران وجود دارد. قانون‌گذار ایران با پذیرش محدودترین تعریف از جرم تجاوز به عنف، فرض اجبار و اکراه مرد از جانب زن و در نتیجه ارتکاب رابطه‌ی جنسی بین مرد (تحت اکراه و اجبار) و زن را جرم‌انگاری ننموده است، امری که بدون شک به معنی نادیده انگاشتن کرامت مرد تلقی می‌شود چراکه مرد نیز در چنین شرایطی شأن و منزلتش خدشه‌دار می‌شود، گرچه شاید گفته شود که زنان بیشتر از جرم تجاوز ضربه و صدمه می‌بینند اما باید گفت تفاوت جنسیت نمی‌تواند عاملی برای تبعیض حقوقی تلقی گردد، چه بسا چنین مردی صدمات روحی بیشتر نسبت به بعضی از قربانیان زن تحمل نماید (دفتر مطالعات و تحقیقات دیوان عالی کشور، ۱۳۷۸، ص ۲۹).

نکته‌ی دیگری که در بحث از شرایط تجاوز به عنف باید مورد توجه قرار گیرد این است که قانون‌گذار در تعریف زنا در ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است که «جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده...» و با توجه به بند ت ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته که زنا به عنف و اکراه موجب اعدام متجاوز است، می‌توان نتیجه گرفت که در حقوق کیفری ایران تجاوز به عنف در زندگی زنا شوئی جرم‌انگاری نشده است زیرا عمل زنا مستلزم این است که بین زن و مرد رابطه زوجیت نباشد، امری که بدون شک از نقاط ضعف قوانین کیفری ایران به شمار می‌آید چرا که فلسفه‌ی حمایتی قانون‌گذاران از وضع مقررات خاص و مجازات شدیدتر این جرم نسبت به سایر جرایم فارغ از خصوصیت هم‌سر بودن است، بلکه آنچه مهم است این است که در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که اراده‌ای یک انسان نادیده گرفته می‌شود (قدمی عزیز آباد، قدسی، ۱۳۹۷، ص ۵).

نکته قابل ذکر دیگر در این مبحث این است که قانون‌گذار تحقق زنا را منوط به دخول حداقل قسمتی از آلت تناسلی مرد (حشفه) در قُبُل یا دُبُر زن دانسته است، بنابراین اگر در مرحله اثبات جرم از طریق آزمایش‌های پزشکی و یا از طریق ادله قانونی دیگر نظیر شهادت و اقرار ثابت شود که دخول کمتر از حشفه بوده است در این صورت جرم تجاوز محقق نمی‌شود، امری که بدون شک صرفاً به دلیل زیر مجموعه بودن جرم تجاوز در ذیل جرم زنا می‌باشد حال آنکه همان‌طور که قبلاً گفته شد هدف اصلی در جرم‌انگاری تجاوز به عنف، نادیده انگاشتن اراده و آزادی زن و تعرض به کرامت انسانی وی می‌باشد امری که با تماس جنسی به هر اندازه که باشد محقق می‌شود و حال آنکه با توجه به اطلاق رابطه جنسی

در سایر کشورها تجاوز به عنف با هر میزان دخول محقق می‌شود. موضوع دیگری که قانون‌گذار ایران به دلیل تعریف تجاوز به عنف در زیر مجموعه‌ی جرم عام‌تری به نام زنا از آن غافل مانده عدم جرم‌انگاری رفتارهایی چون وارد کردن اشیاء و دست در واژن و مقعد زن تحت عنوان تجاوز به عنف می‌باشد. امری که مخالف با فلسفه‌ی تجاوز به عنف و رویکرد اتخاذی از جانب غالب قانون‌گذاران جهان در این باره می‌باشد (همان منبع، ص ۱۴). در این موارد بر فرض قائل به عدم وجود تلذذ جنسی و در نتیجه تمایز با زنا به عنف مصطلح با شیم حداقل تعیین واکنش متناوب و متفاوت تو سط قانون‌گذار راهگشا خواهد بود.

شرط اساسی دیگری که عامل تمایز به جرم تجاوز به عنف از زنا می‌باشد عدم رضایت قربانی تجاوز به عنف می‌باشد، هر گونه عدم رغبت و تمایل را نمی‌شود عدم رضایت نامید به این معنی که نمی‌شود فرد را با هر گونه عدم تمایلی، قربانی تجاوز به عنف دانست زیرا آنچه موجب توجه ویژه قانون‌گذار به جرم‌انگاری تجاوز و همچنین اعمال مجازات شدید برای متجاوز شده است نادیده انگاشتن اراده زن در برقراری رابطه جنسی می‌باشد، بنابراین آنچه منظور قانون‌گذار از عدم رضایت می‌باشد سلب کلی اراده قربانی جرم است، نه رضای فرد که مرحله‌ای پایین‌تر از قصد و اراده‌ی فرد می‌باشد؛ زیرا وقتی صحبت از عدم رغبت و تمایل می‌شود حالت فردی است که اراده دارد ولی از انجام عمل انجام گرفته خرسند نیست؛ بنابراین صرف اینکه رضایت زن به برقراری رابطه‌ی جنسی ناشی از عواملی چون تهدید مرد به اخراج وی از کار و یا قطع رابطه عاطفی اش با او باشد را نمی‌توان زنا به عنف محسوب کرد (میر محمد صادقی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۵۸۰). بنابراین سلب اراده و عدم رضایت در جرم تجاوز به عنف را باید ناشی از اعمالی دانست که زن در مقابل آنها از خود واکنش تمام‌عیاری به منظور جلوگیری از تجاوز انجام داده باشد. همانطور که ملاحظه می‌شود از مهم‌ترین عناصر جرم تجاوز جنسی در حقوق کیفری ایران فقدان رضایت در زنا است به این معنا که زن به انجام رابطه جنسی رضایت و رغبتی نداشته باشد، حال این رضایت به عنف و اکراه (در نتیجه استفاده از فشار فیزیکی مانند اسلحه یا نیروی فیزیکی) از زن سلب می‌شود و زن مجبور به رابطه‌ی جنسی می‌شود و گاه زن قانوناً بی رغبت و بی میل به رابطه‌ی جنسی فرض می‌شود به این معنی که فرض می‌شود زن ناراضی به انجام عمل جنسی است و هر کسی با چنین زنی رابطه جنسی داشته باشد متجاوز فرض می‌شود. قانون‌گذار در تبصره ۲ ماده ۲۲۴ فرض اخیر را که گام مهمی در حمایت بزه‌دیده‌است به روشنی مورد پذیرش قرار داده‌است، به این معنی که زن بی‌هوش و خواب و مست را ناراضی فرض نموده و زنا با چنین زنی را در حکم تجاوز به عنف قرار داده‌است؛

قانون‌گذار در بند دوم تبصره ۲ ماده ۲۲۴ مقرر داشته است که «در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگر چه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است» نکاتی در رابطه با این مقرر قابل ذکر است اولاً قانون‌گذار ایران تجاوز از طریق اغفال و فریب را مختص دختر نابالغ دانسته است. حال آنکه افراد بزرگسال نیز اغفال می‌شوند و اراده خود را

ناخواسته و به راحتی یا فریب و نیزنگ از دست می‌دهند؛ مثل وقتی که مردی با جعل یک سند ازدواج یا باگرمیم چهره یا تغییر صدایش خود را شوهر زنی قلمداد کرده و رضایت وی را به برقراری رابطه جنسی جلب می‌نماید. ثانیاً با توجه به نحوه‌ی تدوین ماده مذکور و اینکه عبارت موجب تسلیم شدن به افعال ربایش، تهدید و ترساندن باز می‌گردد و مرتبط است اگر فرد ربوده شده و یا تهدید شده خود را تسلیم مرد برای رابطه‌ی جنسی نماید تجاوز محقق می‌شود؛ زیرا قصد مرد از ربودن و تهدید، ایجاد شرایط روحی و روانی سخت و در مضیقه قرار دادن زن بوده است تا تن به عمل جنسی دهد. حال اگر مرد در دادگاه ثابت نماید که هدف وی از ربایش صرف انگیزه‌های مانند اخاذی و انتقام بوده است و عمل جنسی با رضایت زن بعد از ربایش صورت گرفته است می‌تواند خود را از اتهام تجاوز به عنف برهاند (میر محمد صادقی، ۱۳۹۳، ج ۱، صص ۵۸۱-۵۸۰).

برای تحقق جرم زنا (بدون عنف) لازم است نه تنها رضایت ابتدایی، بلکه در طول زنا نیز باید رضایت زن دوام داشته باشد، بنابراین چنانچه زنی با رضایت خاطر تن به رابطه جنسی با بزهکار دهد ولی در طول رابطه پی به افکار شیطانی و پلید بزهکار ببرد، به عنوان مثال در طول رابطه جنسی متوجه شود بزهکار آلوده به بیماری مسری هست و امکان انتقال آن به بدن بزه‌دیده وجود دارد و در این حین قربانی جرم از رضایت خود عدول نماید می‌توان محرز بودن تجاوز جنسی را به محض عدول از رضایت توسط زن بالغ استنباط کرد. همچنین ممکن است کسی وقتی رابطه جنسی را آغاز می‌کند از روی رضایت باشد اما در صورت ادامه‌ی آزاردهنده بودن رابطه جنسی، رضایت اولیه رد شود؛ در این صورت ادامه رابطه غیر قانونی است و در این حالت رابطه جنسی طرفینی تبدیل به تجاوز جنسی می‌شود (فرجی‌هاوهمکاران، ۱۳۹۰، صص ۳۱۴-۲۸۷). البته در این خصوص قابل ذکر است رابطه جنسی از اول فاقد وصف قانونی و مشروعیت بوده ولی ادامه رابطه جنسی به شکل آزار دهنده، متصف به عدم رضایت و اراده زن و در نتیجه تجاوز جنسی خواهد بود.

نکته‌ی قابل بحث در این قسمت عدم حمایت کیفری قانون‌گذار از افراد عقب مانده ذهنی است که اخذ رضایت آنها امری غیر ممکن است. این افراد به لحاظ شرایط خاص و ناتوانی خود در برابر انواع رفتارها خواه همراه با تهدید و اغفال باشند و خواه با پیشنهادات عادی تسلیم دیگران برای روابط جنسی می‌شوند. بنابراین لازم است تعرض جنسی به این افراد در قالب جرم تجاوز به عنف جرم‌انگاری شوند. همچنین در مورد اشخاص مجنون و بیماران روانی به لحاظ عدم شعور و ادراک کافی و به لحاظ تصمیم‌گیری عاقلانه از سوی این افراد عنصر رضایت زایل است؛ زیرا آنچه جرم تجاوز به عنف را در زمره مذموم‌ترین جرایم قرار می‌دهد تعرض به حقوق انسانی افراد بشر است نه صرفاً نادیده گرفتن اراده قربانی جرم تجاوز به عنف. بنابراین پیشنهاد می‌شود که این صور از تعرض جنسی نیز در دایره تجاوز به عنف تعریف شود و از طرفی چون در حقوق کیفری ایران تنها مجازات تجاوز به عنف اعدام می‌باشد لازم است

قانون گذار در مورد بعضی از صور تجاوز در صورت جرم‌انگاری مجازات‌های دیگری غیر از اعدام را در نظر بگیرد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵ ص ۱۳۸-۱۱۷).

جرم تجاوز به عنف از جمله جرایم مطلق است که صرف عمل مجرمانه (دخول آلت تناسلی مرد در واژن و یا مقعد زن بدون رضایت) صرف نظر از ایجاد نتیجه‌ای خاص مانند آسیب جسمانی به زن، حامله شدن وی یا هر نتیجه‌ی دیگری، منجر به تحقق جرم تجاوز به عنف می‌شود. بنابراین در جرم تجاوز به عنف آنچه برای صدور حکم به تجاوز به عنف لازم و کافی است، اثبات صرف عمل مجرمانه در بستر شرایط و اوضاع و احوال در مبحث پیشین می‌باشد.

رکن معنوی (روانی) تجاوز

عنصر روانی در جرایم عمد و غیر عمد متفاوت است، از آنجا که جرم تجاوز به عنف از جمله جرایم عمدی محسوب می‌شود بنابراین شخص متجاوز در صورتی به اتهام تجاوز به عنف محاکمه می‌شود که نه تنها باید به جرم بودن عمل آگاه باشد بلکه قصد و نیت نقض ممنوعیت‌های قانونی را نیز باید داشته باشد، ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ مقرر داشته است: «در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد...» حال سوال این است که چه کسانی می‌توانند نسبت به اوامر و نواهی قانون گذار آگاه فرض شوند؟ و اینکه آیا در حقوق کیفری ایران به مانند قوانین سایر کشورهای جهان صرف اثبات آگاهی وی به جرم تجاوز و قصد وی بر انجام تجاوز برای صدور حکم به تجاوز به عنف کافی است؟ باید گفت که در حقوق کیفری ایران شخصی مسئول و به تبع آن مجبور به تحمل مجازات می‌شود که بموجب ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی در حین ارتکاب جرم عاقل، بالغ و مختار باشد؛ بنابراین برای اینکه بتوان شخصی را به اتهام تجاوز به عنف تحت پیگرد قانونی قرار داد باید این سه ویژگی (عقل و بلوغ و اختیار) در وی موجود باشد. حال آنکه با توجه به این ماده باید دید که چه افرادی فاقد شرایط مسئولیت کیفری هستند و در نتیجه امکان محکومیت آنها به تجاوز به عنف وجود ندارد.

در بحث عنصر روانی جرایم حدی، باید به این مهم توجه کرد که به موجب ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فاعل جرایم حدی من جمله تجاوز به عنف باید علاوه بر علم و آگاهی به جرایم حدی و همچنین قصد در ارتکاب جرایم مذکور و داشتن شرایط مسئولیت کیفری، باید به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد؛ بنابراین طبق این مقرر، اگر فرد نسبت به جرم‌انگاری تجاوز به عنف در قوانین کیفری آگاه باشد ولی نداند چنین جرمی در شرع مقدس اسلام حرام است با ثبوت عدم علم وی به حرمت شرعی مجازات اعدام از وی ساقط می‌شود، امری که بدون شک لااقل برای اتباع خارجی غیر مسلمان که وارد کشور می‌شوند و آشنایی کافی با مبانی اسلامی خصوصاً جرایم حدی ندارند می‌تواند دست‌آویزی برای رهایی از مجازات جرم تجاوز به عنف باشد؛ بنابراین نقدی که بر این مقرر وارد است این است که طبق اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها افراد فقط در قبال نقض ممنوعیت‌های مقرر در

قوانین، مورد محاکمه قرار می‌گیرند و در نتیجه چیزی که علم به آن ضروری است قوانین می‌باشند نه شرعیات. حتی طبق ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست، مگر اینکه علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود؛ بنابراین فرد متجاوز اصولاً نمی‌تواند به این دلیل که از وجود جرمی به نام تجاوز بی‌خبر بوده است از مجازات قانونی رهایی یابد مگر اینکه ثابت نماید علم به قوانین برای وی عادتاً امکان‌پذیر نبوده، مثلاً احتمال دارد فردی که در طول عمر خود از اجتماع به دور بوده و از جرمی به نام تجاوز به عنف مطلع نبوده است بتواند خود را با تو سل به جهل به قانون از مجازات اعدام برهاند. از طرفی دیگر انگیزه‌ی فرد از قبیل انتقام یا غلبه‌ی شهوت و سایر انگیزه‌ها در تحقق این جرم بی‌تاثیر است؛ چرا که وجود انگیزه هیچ‌گاه شرایط مسئولیت کیفری و همچنین علم (به قانون و حرمت شرعی) و عمد را که قوام عنصر روانی جرم تجاوز به عنف می‌باشند را متفی نمی‌نماید. لذا صرف اینکه فرد متجاوز با آگاهی از جرم تجاوز و علم به حرمت شرعی آن و همچنین عمد در فعل تجاوز مرتکب جرم تجاوز به عنف شود فارغ از انگیزه‌های وی برای مسئول شناختنش به عنوان متجاوز به عنف کافی است.

اثبات جرم تجاوز به عنف

در نظام‌های حقوقی برای اثبات جرایم، دو رویکرد وجود دارد؛ در رویکرد اول که به «شیوه ادله قانونی» معروف است چنانچه برای اثبات جرمی دلیل یا دلایل خاصی از طرف مقنن مقرر شده باشد به صرف ارایه آن دلیل، قاضی اقدام به صدور حکم نماید. طبق رویکرد دیگر که به روش «اقناع وجدانی» معروف است، قاضی در صورتی مکلف به صدور حکم است که به اقناع وجدانی برسد؛ هر چند ادله‌ی مورد استناد وی از جمله ادله‌ی مقرر در قوانین نباشد مثل غالب جرایم مستوجب حد، قصاص و تعزیر (رویکرد غالب قانون‌گذار ایران مقرر در مواد ۱۶۱ و ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). ادله‌ی اثبات در حقوق کیفری ایران به مانند غالب مقررات در جمهوری اسلامی ایران منبعث از فقه اسلامی است، به این معنی که همان قواعد مربوط به ادله‌ی اثبات جرایم در ادوار گذشته مورد قبول قانون‌گذاران قرار گرفته است،

اما نکته مهمی که در مورد تجاوز به عنف مطرح می‌شود، موضوع اثبات زنا و از آن مهمتر اثبات این است که آیا زنا بدون رضایت زن و با قهر و غلبه صورت گرفته است یا خیر؟ یعنی شرایط عنف به صورت روشن وجود داشته است یا خیر؟ البته اثبات این موضوع نیز برعهده قربانی است. بنابراین، اگر چنانچه زنا مورد انکار مرد باشد زن باید آن را اثبات کند و در عین حال باید ثابت کند که نزدیکی بدون رضایت وی رخ داده است (قیاسی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۶). در غیر این صورت (عدم احراز شرایط عنف)، به استناد مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی، مشمول قاعده درا و صدور حکم برائت مرتکب از اتهام زنا به عنف و شمول موضوع بر زنا جلدی خواهد بود. بدین ترتیب جرم تجاوز به عنف فقط با ادله اقرار، شهادت و علم قاضی قابل اثبات است که به ترتیب به بررسی هر یک از موارد می‌پردازیم:

اقرار

اقرار در نظام حقوقی اسلام و به تبع آن در قوانین کیفری ایران از جمله محکم‌ترین ادله است تا جایی که به عنوان ملکه دلایل شهرت پیدا کرده است (خالقی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۹۵). قانون‌گذار در ماده ۱۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در تعریف اقرار بیان داشته که «اقرار عبارت از اخبار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود است» همچنین ماده ۱۷۳ قانون مذکور در بیان اعداد دفعات اقرار در اثبات جرایم، اصل را بر یک اقرار گذاشته است که البته استثنائات این اصل را نیز بیان داشته است (به این معنی که بعضی از جرایم با دو یا چهار اقرار ثابت می‌شوند) بنا بر قول بعضی از نویسندگان از آنجا که در میان استثنائات مذکور اشاره‌ای به جرم تجاوز به عنف نشده است باید قائل به این بود که جرم تجاوز به عنف برطبق اصل مذکور با یک اقرار ثابت می‌شود (توجهی، توکل پور، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱). به این معنی که فرد متجاوز با یک بار اقرار مبنی بر تجاوز به عنف محکوم به جرم تجاوز به عنف می‌شود؛ اما به دلیل آنکه قانون‌گذار اسمی از تجاوز به عنف در قوانین کیفری نیاورده است؛ بلکه تحت عنوان زنا به عنف این جرم را بیان داشته است و تمامی مقررات آن را تحت عنوان زنا بیان نموده است در نصاب تعداد اقرار نیز باید قائل به چهار اقرار در اثبات جرم زنا بود.

برخلاف قاعده‌ی مقرر در ماده ۱۷۳ قانون مذکور که بیان می‌دارد انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست، قانون‌گذار در ادامه ماده بیان می‌دارد انکار بعد از اقرار در جرایم موجب رجم یا حد قتل موجب اعمال مجازات خفیف‌تری می‌شود که طبق ماده مذکور این مجازات برای فردی که بعد از اقرار به تجاوز به عنف انکار می‌کند، حبس تعزیری درجه ۵ می‌باشد. البته با توجه به احتمال تبانی افراد برای رهنپیدن مجرم اصلی از مجازات و اقرار به تجاوز به عنف از جانب فردی غیر از مجرم و تحمل مجازات اعدام از جانب دیگری، قانون‌گذار در ماده ۱۷۱ مقرر داشته است که در صورت وجود قرائن و امارات مخالف اقرار، قاضی مکلف به تحقیق و بررسی لازم است.

نکته‌ی قابل ذکر دیگر این است که قانون‌گذار ایران به تبع حقوق جزای اسلامی که قائل به بزه پوشی در جرایم منافی عفت است در تبصره ۱ ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیان می‌دارد که در جرایم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند و به این معنی که در چنین مواردی به اقرار فرد ترتیب اثر داده نمی‌شود و قاضی اظهارات متهم را نادیده گرفته و وی را ترغیب به سکوت و عدم افشاء اقدامات

انجام گرفته توسط وی می‌نماید. امری که با توجه به مجازات اعدام برای متجاوز برای معقول و منطقی به نظر می‌رسد.

شهادت

از جمله ادله اثبات جرایم من جمله جرم تجاوز به عنف در قانون مجازات اسلامی ایران شهادت است، دلیلی که امروزه نمی‌توان به دلیلی ضعف اخلاقی افراد و وجود احتمال تبانی بین افراد، به آن امید بست؛ چراکه ممکن است افرادی بی‌گناه قربانی شهادت افراد دیگری مبنی بر ارتکاب جرم از جانب وی شوند، گرچه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برتری علم قاضی بر سایر ادله می‌تواند عاملی بر تشخیص شهادت واقعی از غیر واقعی باشد ولی با این حال، متأسفانه در ایران شهادت کذب رو به فزونی است.

قانون‌گذار در ماده ۱۷۴ قانون مذکور در تعریف شهادت بیان کرده‌است که شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی است. بنابراین برای اثبات جرم تجاوز به عنف شهود باید در جلسه دادگاه به وقوع تجاوز از جانب الف بر ب شهادت دهند و این شهادت در صورتی معتبر است که طبق ماده ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شهود عمل تجاوز را حضور دیده باشند در غیر این صورت هرگونه شهادت در این باره ممکن است موجب مسئولیت برای شهود گردد. نکته‌ی قابل ذکر دیگر، نصاب شهود است. قانون‌گذار در ماده ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر داشته است که نصاب شهادت در کلیه جرایم به جز چند جرم (مثل زنا که با چهار شاهد ثابت می‌شود، دو نفر شاهد می‌باشد و چون جرم تجاوز به عنف، طبق بسیاری از مواد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نوعی زنا محسوب و مشمول مقررات زنا می‌باشد لذا باید قائل به اعمال استثناء مقرر در ماده ۱۹۹ قانون مذکور یعنی چهارشاهد بود.

علم قاضی

ناکارآمدی ادله سنتی اثبات جرم یعنی بی‌بینه و اقرار، تو صیه اکید منابع فقهی و فرهنگ حقوقی کشور بر ابتدای حدود بر تخفیف و احتیاط، توسل به قاعده دراً در مواجهه با شبهه، حاکمیت سیاست جنایی اسلام بر بزه‌پوشی و همچنین تمایل غالب قضات به اجتناب از صدور حکم اعدام، مجموعاً شرایطی را فراهم آورده‌است که در آن اثبات قضایی جرم زنا به عنف با دشواری‌های بسیار مواجه است. نتیجه این ناکارآمدیها و دشواریها، فرار بزه‌کاران از اجرای عدالت و تجری و تجاسر بیشتر آنان، بی‌دفاع ماندن بزه‌دیدگان، تزلزل در اصل حتمیت اجرای مجازات و نهایتاً بی‌اعتمادی عمومی به نظام عدالت کیفری کشور است. قانون‌گذار ایران با همه تردید و تعللی که در چگونگی ایجاد توازن میان معیارهای فقهی و حقوقی از یک سو، و واقعیت‌های اجتماعی از سوی دیگر داشته است نهایتاً از راه تقویت نقش علم قاضی

زن و مطالعات خانواده - شماره ۶۳ - بهار ۱۴۰۳ - ۱۴۱

به عنوان دلیل اثباتی جرم و مقدم دانستن آن بر سایر ادله، کوشش کرده است راه اثبات جرایم مورد بحث و محکومیت و مجازات مرتکبان آنها را تا حدودی هموار سازد (امیدی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۹۰ و ۹۱).

در اثبات جرم تجاوز به عنف، علم قاضی هم من جمله بالاترین و متقن ترین دلایل برای صدور حکم می باشد. البته قانون گذار به منظور جلوگیری قضات از صدور احکام سلیقه ای و صرفاً به استناد علم شخصی خود در ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر داشته است که قاضی موظف است امارات و قرائن مستند علم خود را در حکم بیان دارد. این امارات و قرائن در اثبات جرم تجاوز از جانب متهم می تواند موردی از قبیل نظریه پزشکی قانونی مبنی بر وجود خون یا منی در واژن زن و یا تعلق اثر انگشت حک شده بر بدن زن به متهم از طریق انگشت نگاری و یا فیلم ضبط شده توسط دوربین های مدار بسته از صحنه تجاوز و هر قرینه و نشانه دیگری که نه تنها بتواند قاضی را به صدور حکم علیه متهم تجاوز قانع کند بلکه اماره ای باشد که قاضی را از متهم شدن به صدور حکم بدون دلیل برهاند به این معنی که قاضی نمی تواند با توسل به هر قرینه ای، حکم به تجاوز به عنف صادر نماید بلکه به استناد تبصره ماده ۲۱۱، قرائن و امارات مورد استناد قاضی باید نوعاً علم آور باشد به این معنی که آن امارات برای هر قاضی دیگری غیر از قاضی پرونده، موجد تفکر مجرمیت متهم باشد.

از نظر اثباتی هم قانون مجازات اسلامی و هم فقه امامیه با رسمیت دادن به علم قاضی در اثبات وقایع جزایی و احراز کیفیات مشدد آنها و نادیده گرفتن مصلحت موجود در بزه پوشی منافیات عفت، امکان اثبات این گونه جرایم را در غیاب بیینه و اقرار فراهم کرده است. اثبات این گونه جرایم غالباً از راه اقرار و شهادت ممکن نیست. بنابراین اگر طرق اثبات آنها به اقرار و شهادت محدود گردد، بیشتر بزهدیدگان از حمایت نظام عدالت کیفری محروم می ماندند و بزه کاران با تجری و تجاسر بیشتر به بزه کاری خود ادامه می دهند. از این رو قانون گذار از سویی با معرفی فروض ممتازه منافیات عفت مقرون به عنف و بستن باب اجتهاد قضایی درباره آنها و از سوی دیگر با تقویت جایگاه علم قاضی و توسعه راه های تحصیل آن و با مقدم دانستن آن بر ادله دیگر در مواد ۲۱۱ و ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی و مواد ۱۰۲ و ۳۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری، به یاری بزهدیدگان و مقابله با بزه کاران برخاسته است. رویه قضایی در این زمینه در حال گذر از تردیدهای بیش از اندازه سابق و ورود به مسیر ترسیم شده از سوی قانون گذار است (علی محمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۴).

در جرایم مهمی از قبیل تجاوز به عنف باید نظام عدالت کیفری به گونه ای رفتار نماید که هم نظم از دست رفته جامعه اعاده شود و هم اینکه قربانیان زجر کشیده و ضعیف شده روانی این جرم را تنها نگذارد، چراکه چنین افرادی با این وضعیت قانون گذاری از دستگاه عدالت کیفری ناامید بوده و همیشه خود را در معرض تجاوز فرض می کنند و از طرفی دیگر چنین رویکردی موجب جری شدن افراد برای ارتکاب جرم

تجاوز می شود، بنابراین می طلبد قانون گذار کیفری ایران چنین روزه‌های فرار را بر روی کسانی که بالقوه در فکر تجاوز هستند با اصلاح مقررات مربوط ببندد.

بحث و نتیجه گیری

به نظر می رسد قانون گذار ایران به جای توجه به واقعیات اجتماعی و فرهنگی زمان حال دیدگاههای فقهی ادوار گذشته را در قبال جرم تجاوز به عنف پذیرفته است و بنابراین مقررات فعلی پاسخگوی شرایط کنونی و فرهنگی نیست. قانون گذار ایران واکنش اعدام را فارغ از نتایج منفی آن بصورت مطلق مورد پذیرش قرار داده است. طبق تحقیقات انجام گرفته هیچ گاه اعدام نتوانسته از وقوع جرم تجاوز به عنف در آینده جلوگیری یا به کاهش آن منجر شود. در فقه امامیه در واقع تجاوز به عنف در معنای اعمال خشونت و جبر مادی در رفتار زانی، شرط تحقق تجاوز جنسی موجب حد اعدام نیست، بلکه صرف فقدان رضایت فرد قربانی تجاوز (فرا تر از بی میلی) جهت وقوع جرم به گونه ای که صدق ادعا نماید کفایت می کند؛ اعم از اینکه مرتکب او را اکراه یا اجبار نموده باشد و یا در حالاتی که وی توانایی مقاومت نداشته باشد، نظیر خواب یا بی هوشی با او زنا کند.

موضع قانون گذار مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مبنی بر تعمیم تجاوز به عنف به حالات فقدان رضایت قربانی بدون آنکه عنف یا اکراهی از طرف زانی صورت گرفته باشد، قابل تحسین است؛ اما اصرار وی بر به کارگیری تعبیر عنف به گونه ای که او را ناگزیر از آن نموده تا مصادیق مورد شمول را در حکم تجاوز به عنف توصیف کند، فاقد توجیه می نماید. البته قانون گذار ایران در بحث جرم تجاوز به عنف مضیق ترین دیدگاه را مورد پذیرش قرار داده است. از این جهت که اولاً این جرم فقط از جانب مرد و علیه زن قابل مجازات دانسته است، ثانیاً فقط رابطه جنسی به عنف و اکراه از طریق واژن و مقعد را مورد پذیرش قرار داده است و این در صورتی است که امروزه اکثر نظامهای حقوقی تجاوز از طریق دهان یا وارد کردن دست یا اشیا در دستگاه تناسلی قربانی را نیز در زیر مجموعه ای تجاوز به عنف مد نظر قرار داده و برای آن همان مجازات اصلی را مقرر نموده اند. ناگفته نماند که قانون گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در باب اثبات جرم تجاوز به عنف با اعتباردهی به علم قاضی در کنار دلایل اثباتی سنتی، قدم مثبتی برداشته است.

References

- Akrami, Ruhollah, the element of violence in adultery from the point of view of jurisprudence, criminal law of Iran and England, Comparative Research Quarterly of Islamic and Western Laws, No. 1, 2015
- Aghaei, Mehdi (2017) Dealing with Chastity Crimes (applicable method), Judiciary Studies and Publications Center, second edition.

- Adari, Abdul Ali and Mohammad Hadi Tokapour, the ways of distinguishing adultery and rape with an emphasis on the method of proof, *Islamic Law Research*, No. 2, year 12, autumn and winter 2013, pp. 101-132.
- Abbas Kalimani, Atefa (2017) Abortion due to rape, *jurisprudence and family law* 23-31(68)46.
- Azimzadeh Ardabili, Faezeh, Riyazat, Zainab (2014) Iran's legislative criminal policy regarding crimes against the wife in the family. *Jurisprudence and family law*. 67-43(63)20.
- Ali Mohammadi, Abdul Reza, Criticism and review of the judicial procedure regarding the handling of rape crimes, Master's Thesis, Faculty of Law and Political Sciences, University of Qom, 2013.
- Bradford Jm. On sexual violence. *curr opin Psychiatry*. 2006 sep, 19(5):527-32
- Fazil Lankarani, Muhammad, 2013, *Islamic Penal Code: Persian Description of Tahrir al-Wasila: Hudud*, Qom, Center for Jurisprudence of the Imams of Athar, peace be upon them, Ch1, Vol1.
- Fagan, Andrew (2014) *Atlas of Human Rights*, translated by Omid Kokbi and Mehdi Khodayi, Arman Shahr Publications.
- Farjiha, Mohammad and Hajar Azari, Criminal protection of women victims of rape in Iranian law, *Scientific-Research Quarterly of Social Welfare*, Year 2009, Number 40.
- Farjiha, Mohammad; Azri, Hajer (2013) "Criminal protection of women victims of rape in Iranian law", *Social welfare*, Vol. 40, pp. 287-314.
- Gadami Azizabad, Moseeb, Sida Brahim Qodsi (2017) Iran's criminal policy regarding sexual violence against women in married life, collection of articles of the National Conference on Social Capital and Security Farabi Campus, University of Tehran.
- Gharib, Nargis (2013) Comparative study of rape in English law, master's thesis in the field of criminal law and criminology, Qom University.
- Haji Dehabadi, Ahmed, Haji Dehabadi, Mohammad Ali, Yousfi, Mohammad (2013) *Research Journal of Criminal Law*, Fall and Winter (2013) Number 2.
- Jaziri, Abdul Rahman bin Muhammad Awad, *Kitab al-Fiqh Ali al-Mahhab al-Arba*, Beirut, Dar al-Kitab al-Ulamiya al-Islamiya, 1989 AH.
- Jafari Langroudi, Mohammad Jaafar; Extensive in legal terminology; Volume 1, Ganj Danesh Publications, Tehran.
- Khaleghi, Ali (2016) *Criminal Procedure Code*, second volume, Tehran, Shahr-danesh Publishing House.

- Khomeini, Ruhollah (2023), *Tahrir al-Wasila*, Publications of Imam Khomeini Works Editing and Publishing Institute, p. 463. Mousavi
- Mir Mohammad Sadeghi, Hossein (2013) *Special Criminal Law (crimes against individuals)*, 11th edition, Mizan Publications.
- Najafi, Mohammad Hassan (1981) *Jawahar al-Kalam fi Sharh Shar'e al-Islam*, vol. 1, p. 98.
- Noorbha, Reza (2010) *The field of general criminal law*, 28th edition, Tehran, Ganj Danesh Publications.
- Omidi, Jalil, Morteza Javanmardi Sahib, Moradpour, Zila, "The role of science in ascertaining violence and reluctance in chastity crimes; theoretical studies and practical experiences", *Fiqh and Islamic Law Studies*, Year 11, Number 20, Spring and Summer 2018.
- Ohadi, Behnam, 2003, *human sexual tendencies and behaviors*, 5th edition, Sadegh Hedayat Publications.
- Qiyazi, Jalaluddin and Ghaemfard, Seyed Mohsen, 2014, *rethinking the implementation of criminal defenses of necessity and reluctance in suspicious cases, comparative research of Islamic and Western law*, vol. 4.
- Raijian Maal, Mehrdad (2015) "Victims: rights and necessary protections", *Public Law Research*, Vol. 19, pp. 117-138.
- Studies and Research Office of the Supreme Court (1999), *deliberations and opinions of the General Board of the Supreme Court, 1956*, official newspaper publications.
- Siegel, Larry J. (2004) *Criminology*, translated by Yashar Saifullahi, first edition, Naja Police Intelligence Applied Research Office.
- Shabiri Zanjani, Syed Musif, 2007 AH, *Al-Masail al-Sharia*, Nashr al-Fiqahah, p. 429, vol.1.
- Shams Natri, Mohammad Ebrahim, Hamid Reza Kalantari, Ebrahim Zare and Zainab Riazat (2013) *Islamic Penal Code 2013 in the current legal order*, first volume, second edition, Tehran, Mizan Publications.
- Sadeghi, Mohammad Hadi (2013) *The role of repentance in punishments and punishments*, *Criminal Law Research Journal*, fourth year, second issue, pp. 153-174.
- Tahmasabi, Javad, *Criminal Procedure Code*, Tehran, Mizan, 2016.
- TFried, Susana (2003) *Violence against women*, *The President and Fellows of Harvard College (journal health and human right)*, Vol. 6 No. 2, pp88-111.

The concept and proof of the crime of rape in Iranian jurisprudence and law

*KarimKhezr Nia*¹

*Abbas AliAkbari*²

criminal laws. It is not known, but under the influence of Islamic jurisprudence, it has been criminalized as fornication by violence and unwillingness. In this article, an attempt has been made to explain the concept of the crime of rape from the perspective of Islamic jurisprudence and the doctrine of criminal law by using library sources, and to examine the legal response and how to prove it in the criminal process. Finally, we have come to the conclusion that in the Islamic Penal Code approved in 2013, the most severe criminal reaction is death for the perpetrator of rape. In the Iranian Criminal Code, it is possible to limit the issue of rape only by a male offender against a female victim. Iran's legislature is facing many shortcomings in the issue of rape, so that many examples of the crime of rape in criminal law are silent or at least not commented on. Of course, compared to the law of 1370, it has strengthened the role of the judge's knowledge in proving the crime of adultery as one of the proofs.

Keywords: Rape, criminal law, Imami jurisprudence, material element, legal element, spiritual element.

1. Ph.D. student in Criminal Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

2 .Assistant Professor, Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Corresponding Author) Dr.akbari@iaut.ac.ir